

# توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیست و سوم  
مرداد ۱۴۰۱ شماره ۲۶۹

## «بریکس» و «بریکس پلاس»

چهاردهمین گردهمایی سران کشورهای عضو «بریکس» روز ۵شنبه ۲۳ ژوئن به صورت مجازی، به دعوت و ریاست رئیس‌جمهور چین تشکیل شد.

در سال ۲۰۰۶ برای اولین بار گروهی با شرکت ۴ کشور برزیل، روسیه، هند و چین تحت نام «بریک» جهت همکاری‌های اقتصادی و تجاری تاسیس شد. پنج سال بعد با پیوستن کشور آفریقای جنوبی به این جمع نام آن به «بریکس» تغییر یافت. در این سال‌ها در واقع کشورهای شرقی و در راس آنها چین متوجه شدند که سلطه آمریکا و دلارش رو به افول است. به بیان دیگر می‌توان گفت که در سال ۲۰۰۹ دوران گذار از جهان تک قطبی به چند قطبی آغاز شد. حزب کار ایران (توفان) در ارزیابی خویش از سیمای سیاسی جهان در کنگره پنجم خود در سال ۲۰۱۶ بعد از سال‌ها بحث و تبادل نظر در سمینارها به اهمیت «بریکس» توجه کرد و آن را به عنوان گامی که باید مورد حمایت قرار بگیرد در برنامه حزبی خود گنجانید. حزب کار ایران (توفان) همواره از پیوستن ایران به جمع «بریکس» و اتحادیه شانگهای دفاع کرده است.

### اهمیت «بریکس»

یکم اهمیت «بریکس» در پر جمعیت بودن کشورهای تشکیل‌دهنده آن است. تنها دو کشور چین و هند بیش از ۲/۸ میلیارد نفر جمعیت دارند. سایر کشورهای عضو این نهاد جمعا قریب به نیم میلیارد نفر از ساکنین کره خاکی را دربرمی‌گیرند که بازار بسیار بزرگی برای تجارت است. دوم اینکه غیر از آفریقای جنوبی ۴ کشور دیگر از نظر مساحت جزو ۷ کشور اول جهان به شمار می‌آیند.

سوم اینکه تولید ناخالص ملی اعضای «بریکس» جمعا یک چهارم کل تولید ناخالص داخلی کلیه کشورهای جهان است. ۲۰ درصد از سهم تجارت جهانی متعلق به این پنج کشور... ادامه در صفحه ۲

## پایان تسلط نازیسم در اوکراین، راه را به روی نظم جدید چندقطبی در جهان می‌گشاید

در بررسی مناقشات میان روسیه و اوکراین متأسفانه صرف‌نظر از تحریکات ضدکمونیست‌ها، تبلیغات روس ستیزی و نژادپرستی تهوع‌آور امپریالیست‌ها و پیروانشان در جهان، پاره‌ای از کمونیست‌ها نیز با اشاره نابجا به متون مارکسیستی، به ماهیت جنگ کنونی به منزله جنگ امپریالیستی و یا جنگ نیابتی امپریالیستی برخورد می‌کنند و به این وسیله گریبان خویش را از تحلیل مشخص و موضع‌گیری‌های سیاسی مشخص خلاص می‌نمایند. آنها قادر نیستند به تحلیل مشخص از شرایط مشخص پردازند و خود را در میان انبوهی از کتب و نقل‌قول‌ها، بدون توجه به شرایط زمان و مکان و تحولات عظیم تاریخی، سردرگم کرده‌اند. در حالی که به نظر حزب ما، این نوع برخورد ذهنی چسبیدن به درخت و ندیدن جنگل است.

حتی شکست روسیه در اوکراین - گرچه امر غیرممکنی به نظر می‌آید - ولی همین شکست نیز چهره جهان را تغییر می‌دهد و کشورها دیگر حاضر نیستند دیکته امپریالیسم آنگلو ساکسون را بپذیرند و با افسانه‌های «احترام به حقوق بین‌الملل» یک طرفه، لائانی‌های «امنیت»، «دموکراسی»، «آزادی» و «حمایت از حقوق بشر» آنها به خواب روند.

البته هم‌کشور روسیه سال‌هاست امپریالیستی است و نظام سرمایه‌داری در آنجا حاکم است و طبقه کارگر روسیه را غارت می‌کند و هم در اوکراین نظام سرمایه‌داری حاکم است که وابسته به شرکت‌ها و کنسرن‌های بزرگ غربی بوده و با حمایت از دزدان و رشوه‌خواران، با تکیه بر الیگارشی فاسد و دست‌نشانده، به ویژه دست‌نشانده امپریالیسم آنگلو ساکسون به استعمار و استثمار کارگران و زحمتکشان اوکراین مشغول است. تمام تحریکاتی که بعد از فروپاشی شوروی توسط عمال غرب انجام پذیرفت، با این هدف بود که از اوکراین کشوری ضدروس همراه با قتل‌عام و نسل‌کشی روس‌ها، کشوری نژادپرست و نازی‌پرور بسازد و از آن به عنوان چماق بزرگ امپریالیسم آنگلو ساکسون در ایجاد فشار و در نهایت سکوی پرش برای تجزیه روسیه استفاده کند. مردم اوکراین باید قربانی سیاست‌های توسعه‌طلبانه امپریالیسم غرب می‌شدند و برای این منظور روس ستیزی و روس‌زدایی که کشتار ۱۴ تا ۱۶ هزار نفر روس تبار را در دونباس و دونتسک، آتش زدن کارگران در شهر بندری اودسا و سایر شهرها را به دنبال داشت، بخشی از این سیاست عمومی امپریالیسم غرب برای تدارک جنگ و تجاوز به روسیه بود. حکام نازی در اوکراین که با هزینه‌های گزاف آمریکا و اروپا بر سر کار آمدند و سرانجام با یک کودتای سرکوبگرانه در سال ۲۰۱۴ قدرت را برای پیشبرد... ادامه در صفحه ۳

## گسترش پیمان تجاوز کار ناتو به خاورمیانه با ماهیت عبری، عربی، غربی

سخن بر سر پیمان تجاوزکارانه‌ایست که دولت صهیونیستی اسرائیل قصد دارد به یاری آمریکا و شرکت ۷ کشور عربی در منطقه خاورمیانه منعقد کند. این پیمان باید سنگ بنای قرارداد ابراهیم را که با یاری دونالد ترامپ در زمان ریاست جمهوری بنیامین نتانوی شد، به گفته جو بایدن رئیس‌جمهور کنونی آمریکا تکمیل کرده و قبول اسرائیل در جمع کشورهای منطقه خاورمیانه را تعمیق بخشد. در یک کلام پس از گسترش ناتو به سمت شرق حال از اروپا به سوی خاورمیانه می‌آید. همانگونه که گسترش ناتو در اروپا تجاوزکارانه و جنگ‌طلبانه و در خدمت سیاست کنسرن‌های تسلیحاتی در درجه اول آمریکا و سپس اروپاست، در خاورمیانه نیز چنین ماهیتی دارد. آمریکا می‌خواهد با ایجاد این پیمان نظامی و امنیتی در منطقه نقش اسرائیل را افزایش دهد، کارخانه‌های تسلیحاتی اسرائیل را تقویت نماید و کنترل امنیت ممالک عربی ایران‌هراس را بر عهده اسرائیل بگذارد. ایران‌هراسی جزئی از سیاست امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه است و در جهان به سیاست اسلام‌ستیزی متوسل می‌شوند که مکمل سیاست تجاوزکارانه ناتوست.

سیاست ناتوی جدید پیشنهادی آمریکا که حتی تلاش دارند ترکیه را نیز وارد آن کنند و ناتوی اروپائی را به ناتوی عبری-عربی-غربی بچسبانند، با هدف تسلط بر ایران، کنترل منافع اسرائیل، نظارت بر منابع سوخت جهان و رقابت با چین و روسیه و خفه کردن آنهاست.

خاورمیانه همواره مرکز تولد پیمان‌های مرده بوده است. در گذشته چنین بوده و امروز هم همانگونه خواهد بود. دلایل آن را باید در تناقضات میان ممالک عربی و تضاد میان خلق‌های عرب با ارتجاع عرب و صهیونیسم جستجو کرد. بارها از این پیمان‌ها زاده شدند و سرزا رفتند. هم اکنون چندین نمونه از این پیمان‌های نظامی و امنیتی وجود دارند که بی‌بو و خاصیت‌اند. عربستان سعودی و مصر در پی رقابت بر سر رهبری جهان عرب‌اند. امارات متحده عربی حاضر نیست به رهبری عربستان سعودی گردن نهد و وهابیسیم را بپذیرد. قطر با ایران منافع استراتژیک مشترک دارد و با عربستان سعودی که به تمامیت ارضی کشورش چشم داشته و با حمایت آنها از اخوان المسلمین موافق نیست، آتش در یک جوی نمی‌رود. کشورهای کویت، عمان که روابط حسنه‌ای با ایران دارند بر حسن همجواری تکیه می‌کنند و از تنش‌افزایی با ایران گریزانند. کشورهای عربی عراق، سوریه، الجزایر و یمن به این پیمان گردن نمی‌نهند و برضد آن مبارزه خواهند کرد. همکاری... ادامه در صفحه ۵

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

## بریکس و... دنباله از صفحه ۱

می‌باشد. هم اکنون مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای «بریکس» بالغ بر ۲۳/۵ تریلیون دلار ملحوظ شده است.

بالاخره چهارم این که از نظر نظامی ۳ ارتش از پنج ارتش بزرگ جهان عضو «بریکس» هستند.

به بیان ساده‌تر کشورهای عضو «بریکس» یک سوم خاک دنیا، ۴۵٪ از جمعیت جهان و نیز قریب به یک چهارم اقتصاد جهان را در اختیار دارند. هم اکنون کشورهای عضو «بریکس» نه تنها در زمره پر اهمیت‌ترین تولید کنندگان انرژی و مواد خام و نایاب هستند، بلکه مهم‌ترین تولید کنندگان کالا نیز به حساب می‌آیند. «بریکس» یعنی بیست و نه درصد مساحت خشکی و سی و هشت درصد تولید ناخالص جهان. «بریکس» یعنی نصف جهان. اکثریت منابع نفت، گاز، طلا، الماس و بخش بزرگی از اورانیوم جهان در منطقه «بریکس» قرار دارند.

هم‌اکنون کاهش نرخ رشد، افزایش جهش‌وار تورم، افزایش نرخ سوخت، کمبود کالا، کمبود انرژی و اختلال در زنجیره اجناس و... مشکلاتی هستند که به طور عمده گریبان غرب را گرفته‌اند.

در چنین شرایطی «بریکس» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. «بریکس» در واقع ابزاری است که بازارهای در حال رشد و نوظهور را به یکدیگر مرتبط ساخته و عرصه سازنده‌ای برای گسترش اقتصاد میان کشورهای جنوب مهیا می‌سازد. «بریکس» بدون تردید پشتوانه سیاسی و اقتصادی مهمی است که امکانات رشد و پیشرفت اقتصادی اعضای آن را گسترش می‌دهد. افزایش مناسبات تجاری میان «بریکس» و سایر کشورهایی که به آن خواهند پیوست، مانند ایران و یا آرژانتین و شاید در آینده دیگران بدون شک توان این مجموعه را، حتی از اتحادیه اروپا قوی‌تر خواهد کرد.

شعار پر معنی و هدفمند «تقویت مشارکت با کیفیت بالای «بریکس» آغاز دور جدیدی برای توسعه جهانی» که در سر لوحه نشست اخیر «بریکس» قرار داشت، گویای کیفیت، توان بالا و امنیتی است که «بریکس» به دنبال آن است.

جهانی که پاندمی، تغییرات آب و هوا و بعضاً خشک سالی و قحطی و بالاخره با عواقب جنگ اوکراین روبروست، رابطه سازنده را جای‌گزین تحکم، تهدید، تحریم و کلاه‌برداری کردن امری است حیاتی. «بریکس» اهداف مهم و راهبردی پیش رو دارد. در نظم جدید جهانی «بریکس» بدون شک بدیلی در مقابل غرب و نهادهای موجود آنها به شمار خواهد آمد.

در دورانی که غرب و در راس آن آمریکا کشورهای جهان-از جمله ایران-را بی‌مهاتبا تحقیر، تحریم و تهدید نظامی، تا سرحد تجزیه ملت‌ها می‌کند، هر کشوری که امکان پیوستن و یا نزدیکی به «بریکس» را داشته باشد و از آن حذر کند سخت در اشتباه است.

رویکرد کشورهای «بریکس» به سوی کشورهای در حال رشد، کمک به آنها در مقابله با نظام سلطه‌گر، جبار و ضدبشری پولی حاکم (دلار) است. روندی که بدون تردید تاثیر مثبتی بر مناسبات عادلانه اقتصاد جهان و نیز مبارزه با معضلات کنونی به ویژه گرسنگی در سطح جهان خواهد گذارد.

بی‌جهت نیست که «واچسلاو ولودین» رئیس دوما

روسیه، تشکیل سازمانی جدید متشکل از قدرتمندترین کشورهای اقتصادی جهان را به عنوان جایگزین سازمان جی ۷ پیشنهاد کرده است. به نظر او کشورهای چین، روسیه، هند، اندونزی، ایران، مکزیک، روسیه و ترکیه - که اگر آفریقای جنوبی را هم بر آنها بیفزاییم جی ۹ خواهد شد.

غرب و به ویژه جی ۷ که در مقابل جهانیان آبرویی برایش نمانده و به سیر نزولی در غلطیده است، برای جبران مافات و نیز برای این که از چین و «بریکس» عقب نیافتد در پایان گردهمایی اخیر خود در قصر «المآ» (Elmau) در ایالت باواریای آلمان ۶۰۰ میلیارد دلار به زیر بنای کشورهای در حال توسعه اختصاص داد!! این «برنامه زیرساختی» که آمریکا - این ابر بدهکار و چاپ‌چی دلار بی‌پشتوانه - ۲۰۰ میلیارد دلار آن را متقبل شده است، هدف دیگری جز مقابله با جاده ابریشم چین که بیش از ۱/۴ تریلیون دلار سرمایه در آن به کار رفته و تقریباً به پایان رسیده است ندارد.

کشورهای دنیا دیگر به تحریم‌های آمریکائی علیه ایران و روسیه توجه نمی‌کنند. هند گرچه تاکنون متحد آمریکا به شمار می‌رود - البته به خاطر مهار چین - در حال حاضر از روسیه هم نفت می‌خرد و هم اسلحه. هند در عین حال هم در «بریکس» فعال است و هم در سازمان شانگهای. ترکیه گرچه عضو ناتوست ولی با همه کشورها همکاری‌های اقتصادی دارد و به نظم خاصی نیز پایبند نیست. امروز کشورهای عضو «اکیو» (ECO) - سازمان همکاری اقتصادی - Economic Coop- (eration Organization) منطقه‌ای است، که ایران و پاکستان و ترکیه، آن را قبل از انقلاب ۱۳۵۷ تحت نام «سازمان همکاری عمران منطقه‌ای» بنیاد نهادند و از بعد از فروپاشی شوروی کشورهای افغانستان، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان نیز به آن پیوستند در گذار از نظم بین‌المللی حائز اهمیت شده‌اند. این کشورها هم اکنون نه تنها تحریم‌های علیه ایران و روسیه را دور می‌زنند، بلکه معاملات تهاثری با سایر کشورها را نیز آغاز کرده‌اند.

## واحد پولی «بریکس»

از همان آغاز شکل‌گیری «بریکس» مسئله خارج ساختن مبادلات تجاری میان کشورها - حداقل میان کشورهای بریک و سپس «بریکس» - از یوغ دلار، به لائیل مختلف مطرح بود. دلایل آن نیز یکی دوتا نیست:

یکم این که از سال ۱۹۷۱ دلار عملاً از هیچگونه پشتوانه‌ای برخوردار نیست و کاغذ پاره است.

دوم این که «فدرال رزرو» که یک اتحادیه مهم‌ترین بانک‌های خصوصی در آمریکا است، بی‌وقفه در حال چاپ دلار است، که این امر به دلیل پخش بی‌رویه آن در سراسر گیتی (به خاطر مبادله ارز پذیرفته شده برای مبادلات تجارت جهانی) تورم را در جهان افزایش می‌دهد و تورم آمریکا را نیز به جهان منتقل می‌کند.

سوم این که، از آنجا که کشور چاپ‌کننده دلار خود، ابربدهکار جهان است و لذا پیوسته با خطر ورشکستگی مواجه می‌باشد، در نتیجه سایه شوم ورشکستگی را به تجارت جهانی به صورت بی‌سابقه‌ای گسترانده است. خطر بی‌ارزش شدن اوراق بهادار دولتی آمریکا که در دست مردم، شرکت‌ها و دول است به شدت افزایش یافته است. و بالاخره چهارم و مهم‌ترین نکته این که

امپریالیسم آمریکا با سوءاستفاده از قدرت کاذب این کاغذ پاره، تحریم‌های ضدبشری خود را به بسیاری از کشورها از جمله روسیه، ایران، کره شمالی، ونزوئلا، کوبا، سوریه، افغانستان و... تحمیل کرده و اختلال بی‌سابقه‌ای در روند تجارت جهانی بوجود آورده است. به قسمی که اکنون کشورهای غربی حامی این تحریم‌ها از جمله خود آمریکا در زمره متضررین به شمار می‌روند! برای نمونه در اثر تحریم‌های اخیر روسیه، تنها کشورهای اتحادیه اروپا بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار زیان دیده‌اند.

بیش از نیم قرن پول بی‌پشتوانه چاپ کردند و آن را از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به سایر کشورها وام دادند، به آنها اسلحه فروختند و در ازاء کاغذ پاره‌ای به نام دلار، کالا وارد کردند. با به وجود آمدن «بریکس» و انجام معاملات با ارزهای دیگر و یا انجام معاملات تهاثری میان، نه تنها کشورهای «بریکس»، بلکه بسیاری از کشورهای دیگر، دلار به تدریج از سلطه و قدرتش کاسته شد و دیگر تنها ارز معادل برای مبادله تجاری جهانی نیست. و اکنون با گسترش، قدرت‌یابی و نفوذ «بریکس»، زمان آن فرارسیده است که «بریکس» با تعیین پول واحد جانشین دلار شود.

با بوجود آمدن «بریکس پلاس» و به احتمال بسیار زیاد واحد پول جدید، دوران تک قطبی جهان برای همیشه به زباله‌دان تاریخ سپرده خواهد شد. زمینه‌های رسیدن به این مرحله تاریخی روز به روز بیش تر فراهم می‌شود.

در این رابطه پوتین رئیس جمهور روسیه معتقد است که «در سطح جهان بعضی ارزها به دلایل مختلف به خود آسیب‌های فراوان زده‌اند. از همین رو تنظیم کردن پول ملی روسیه با پول آنها (منظور او دلار است- توفان) بی‌معنی است».

از سوی دیگر «بریکس»، مجمع کشورهایی است که جملگی در راستای پایان جهان تک‌قطبی و ایجاد جهان چندقطبی با گام‌های فرسنگی عملاً از هر نظر فعالند.

پوتین در همین رابطه گفت: «غرب نمی‌تواند همه چیز را به انحصار خود در آورد، تغییرات در یک دوره تاریخی معینی الزامی است... هر چند که یک قدرت قوی (منظور آمریکاست- توفان) مخالف آن باشد». (تکیه از ماست).

وی ادامه می‌دهد: «جهان ما تا زمانی که دنیا در یک زمین‌بازی، با یک دروازه استوار باشد ناپایدار است». آمریکا خود را حاکم جهان می‌داند و این وضع به سرعت در حال دگرگونی است.

پوتین رئیس جمهور روسیه در ۲۴ ژوئن در رابطه با پول جانشین دلار گفت: «کشورهای «بریکس» برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی در حال حاضر روی راه اندازی یک ارز ذخیره جهانی جدید (تکیه از ماست) کار می‌کنند».

هم اکنون ارزش برابری روبل روسیه به خاطر پشتوانه طلایش و نیز فروش انرژی به روبل از ۲۰۰ دلار به ۵۰ دلار رسیده است. چین نیز با یوان مبادلات تجاری انجام می‌دهد. و «بریکس» نیز در نظر دارد که پول جدیدی را جایگزین ارز مبادلاتی کنونی، یعنی دلار سازد.

در این میان کشور ایران که بیش از ۴۰ سال است با سیاست زورگویانه و ضدبشری تحریم‌های آمریکا مواجه است و سال‌هاست که در دور زدن تحریم‌ها و انجام مبادلات تجاری با سایر ارزها و یا معاملات تهاثری تجربه دارد، و نیز به دلیل موقعیت... ادامه در صفحه ۳

## بریکس و... دنباله از صفحه ۲

جغرافیایی و توان اقتصادی و نظامی اش و بالاخره به عنوان عضو مهمی از جاده ابریشم مورد توجه «بریکس» و در راس آن چین قرار گرفته است.

## دعوت ایران به «بریکس»

بی‌جهت نیست که رئیس‌جمهور چین به عنوان دعوت‌کننده به اجلاس امسال «بریکس» که در ۲۳ ژوئن به صورت مجازی برگزار گردید از کشور ایران دعوت به عمل آورد. شی جین پینگ علاوه بر این از کشورهای الجزایر، مصر، اندونزی، قزاقستان، سنگال، کامبوج، اتیوپی، مالزی و تایلند نیز جهت حضور ناظر در این نشست دعوت به عمل آورد. مضاف بر این ترکیه، آرژانتین، بنگلادش، مکزیک و سوریه نیز برای شرکت در این جمع اظهار تمایل کرده‌اند.

نشست مجازی وزرای خارجه «بریکس پلاس» (BRICS PLUS) که این اجلاس شامل وزرای خارجه عربستان، امارات، کویت، قزاقستان، تایلند، مصر، آرژانتین و سنگال می‌شد نیز به عنوان «بریکس به اضافه» یا «بریکس پلاس» تشکیل گردید.

## جهان روی از غرب می‌تابد و به شرق روی می‌آورد!

نطق حساب‌شده‌ی رئیسی رئیس‌جمهور ایران در اجلاس «بریکس» که بسیار هدفمند و واضح بود به مذاق اعضای «بریکس» خوش آمد. رئیسی در سخنرانی‌اش از «توانمندی و ظرفیت‌های ذخائر کم‌ظئیر انرژی... شبکه حمل و نقل کوتاه و ارزان... نیروی انسانی آموزش دیده... کشور» و بالاخره از «موقعیت... جغرافیای سیاسی و اقتصادی کم‌ظئیر» ایران و نیز «خرسندی» خود به خاطر دعوت به این اجلاس یاد کرد. اعضای «بریکس» نیز به این امر واقفند که ایران از نظر جمعیت در رده‌ی پنجم، به لحاظ اقتصادی ششم و بالاخره از نظر ذخائر گاز و نفت در ردیف دوم از اعضای «بریکس» قرار دارد.

رئیسی در عین حال به اهمیت «کمر بند و جاده»، تاسیس «بانک توسعه نوین» و بالاخره ابتکار امنیت جهانی اشاره کرد.

این «بانک توسعه نوین» که رئیسی از آن یاد می‌کند، به ویژه برای کشورهای تحت تحریم نظیر ایران و روسیه راه نجات محسوب می‌گردد. در حقیقت این بانک یک «سامانه اعلام پرداختی» است که عملاً نقش سوئیفت را ایفا خواهد کرد. امری که نیاز حیاتی کشورهای نظیر ایران و روسیه و نیز سایر کشورهای تحت تحریم آمریکا به شمار می‌آید. حتی پوتین در نشست «بریکس» اعلام آمادگی کرد که «سامانه ارتباط بانکی روسیه آماده اتصال به بانک‌های کشورهای «بریکس» است».

هدف عمده «بریکس» بدون تردید عدم انجام مبادلات تجاری با دلار بدون پشتوانه و زدودن نقش آن است. پوتین حتی اعلام کرد که تشکیل صندوق ذخیره ارزی بین‌المللی بر پایه ارز کشورهای عضو در جریان است. اکنون کلیه کشورهای که به هر دلیل مخالف سلطه غرب، چه از نظر اقتصادی (دلار)، چه از نظر سیاسی و چه از نظر نظامی هستند، چشم امیدشان به «بریکس پلاس» به عنوان راه حلی پویا و سازنده در عرصه گیتی است. در این میان اما نقش مخرب و ریاکارانه اصلاح‌طلبان غرب‌گرا در ایران سؤال‌برانگیز است. آنها با استدلالات بی‌پایه نظیر: «عدم دعوت از ایران در سطح وزیر به نشست «بریکس»»، نوشتند: «چین ایران را

از نشست «بریکس» حذف کرد!» و از این طریق به عبث به سیاست چین‌ستیزی خود و دشمنی با ایران دامن زدند. و امروز با دعوت شخص رئیس‌جمهور چین از ابراهیم رئیسی همه دروغ‌های آنها برملا شد. حتی اطاق بازرگانی که تخم مرغ‌های خود را به غلط در سبد غرب گذارده ادعا کرد که: «ایران علی‌رغم ادعای همکاری راهبردی با چین به این اجلاس دعوت نشد». و این امر را «نشان‌دهنده‌ی ترجیح عربستان و امارات بر ایران خواند»!

این جریان‌ات غرب‌گرا و واپس‌مانده اما هر دو پای خود را در یک کفش کرده و کلیه فعالیت‌های سیاسی، دیپلماسی و اقتصادی کشور را مشروط به توافق برجام می‌کنند. غافل از این که مسائلی نظیر عضویت ایران در سازمان شانگهای، افزایش تجارت و همکاری با کشورهای آسیای میانه، افزایش فروش نفت، به خصوص به چین و اکنون احتمالاً عضویت در «بریکس» دریچه‌های نجات اقتصاد تحریم‌زده ایران را خواهند گشود. اما این غرب‌گرایان واپس‌مانده هنوز چشم امیدشان به احیای برجام و نزدیکی به غرب است. غرب‌زدگی و خودتحقیری تا مغز استخوان آنها رسوخ دارد.

وقتی ایران ۵۴ درصد از بندر «سالیانکا» (در «آستراخان» روسیه) به عنوان قطب راهبردی تجارت دریایی بین ایران و روسیه را خریده و به این ترتیب طی ماه جاری کریدور شمال و جنوب راه‌اندازی شده، وقتی محموله‌ها از سن پترزبورگ، آذربایجان، انزلی و بندرعباس به هند، کمتر از یک ماه به مقصد می‌رسند، وقتی روسیه و هند جزو «بریکس» هستند چرا نباید ایران عضو «بریکس» باشد؟! امروز حتی دروازه کشور نیکاراگوئه به روی «بریکس» باز شده است، و نروژ، پرو، نیکاراگوئه، آرژانتین بدون شک خود را به «بریکس» نزدیک‌تر می‌بینند تا به غرب.

بسیاری از اصول‌گرایان ایران به خاطر تحریم‌های ۴۰ ساله رو به تزايد آمریکا علیه ایران مدت‌ها است که نگاهشان به شرق است. از سوی دیگر فراموش نکنیم که لنگ برجام هم هنوز در هواست و به نتیجه نرسیده است. گرچه که امروز حتی اسرائیل هم حاضر است با آن توافق کند، اما حتی اگر جو بایدن با ایران بر سر برجام به توافق هم برسد، جمهوری خواهان ترامپیست از هم اکنون اعلام کرده‌اند که اگر آنها به قدرت برسند مجدداً توافق‌نامه برجام را ملغی خواهند ساخت. به یک کلام راه نجات ایران نزدیکی به شرق است.

در یک ماه گذشته روسای جمهوری تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان با ایران توافق‌نامه‌های متعدد و مهمی امضاء کرده‌اند. به ویژه در زمینه حمل و نقل. بدون تردید این توافقات همسو با جاده ابریشم چین و توافقات ۲۵ ساله این کشور با ایران و نیز در راستای «بریکس» قرار دارند.

«بریکس پلاس» در واقع آغاز حرکت جهان به سوی نظام چندقطبی و نقطه اختتام نهادن بر نظام تک‌قطبی است. اعضای جدید «بریکس» نیز می‌بایست در این راستا حرکت کرده و خود را متعهد به برنامه‌های آن بدانند. اعضای «بریکس» می‌بایست در برقراری مناسبات اقتصادی خود با هر کشوری به حاکمیت، تمامیت ارضی و حقوق برابر باور داشته و به آن عمل کنند. تنها چنین تکاملی قادر خواهد بود که بر مناسبت پیچیده حاکم و محکوم، تحریم‌کننده و تحریم‌شونده، زورگوئی با سوءاستفاده از ارزش‌های بی‌پشتوانه و نیروی نظامی مقتدر و گسترده کنونی که سال‌هاست باعث برقراری مناسبات

نامتعادلی در میان کشورهای جهان گشته است نقطه اختتام گذارد.

به امید آن که اعضای «بریکس پلاس» در مناسبات خود جوی دوستانه ایجاد کرده و امکانات پیشرفت را برای همه اعضای خود و در نهایت کلیه کشورهای در حال توسعه به وجود آورند. محو نقش دلار، امنیت بهداشت، غذا، سوخت و بالاخره ایجاد روابط منصفانه و عادلانه میان کشورها تنها از کاتال تکامل «بریکس» می‌گذرد.

در این میان نظام حاکم بر ایران اگر نتواند بر عناصر و مراکز فساد، رانت، غارت و چپاول غلبه کرده و دست آنها را از ثروت و منابع ملی کوتاه کند، اگر نتواند بر بیکاری، گرانی و فقر ناشی از آنها (که البته تحریم‌ها نیز در به وجود آمدن چنین وضعی موثرند) چیره گردد و بالاخره اگر نتواند به آزادی‌های دموکراتیک پایبند گردد و... عضویت در «بریکس» هم در دراز مدت مشکلات عدیده مردم را حل نخواهد کرد و فقط رانت‌خواران و دزدان تانکونی فریه‌تر خواهند شد. «بریکس» بخت بزرگی برای آینده ایران است اگر بتوانیم و بشود از این بخت عادلانه و در خدمت منافع ملی و بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و تمامی مردم ایران بهره جست.\*

## پایان تسلط... دنباله از صفحه ۱

یک سیاست جنگ‌افروانه در دست گرفتند. عضویت در ناتو را با نخستین اقدامات خود به انحلال احزاب مخالف پرداخته، سازمان‌های نازی‌ها را رسمیت بخشیده و مشروعیت دادند، در قانون اساسی اوکراین پیوند زدند، تاریخ را تحریف کردند، در مدارس کتب تاریخی را جعل کردند، رسانه‌های گروهی را با صافی ایدئولوژی نازیسیم و «موی بلوند و چشم آبی» همراه ساختند. آنها برای این که مردم اوکراین را به گوشت دم توپ بدل کنند، نخست در پی تغییر افکار آنها برآمدند تا از آنها سربازانی «فداکار» برای قربانی شدن در راه وطن نازیسیم بسازند. اوکراین به جای این که بعد از کسب استقلال از شوروی به تحکیم استقلال خود بپردازد، برعکس به زیر بار استعمار غرب رفت و از یک کشور مستقل که امکان رشد و توسعه داشت، به یک نیمه‌مستعمره غرب بدل شد.

غرب با دست ناتوی تجاوزکار دست‌نشانگان خویش در اوکراین را تا دندان مسلح نمود و آموزش نظامی داد و به ظاهر چنین وانمود کرد که این کشور عضو ناتو نیست. در حالی که ارتش ناتو با تمام مستشاران خویش در این کشور مستقر شده بود و تدارک تجاوز و حمله به روسیه را می‌دید.

آنها در درجه نخست آزموده‌ترین، مجهزترین و قدرتمندترین لشگرهای خویش را در دونباس مستقر ساختند تا با تسخیر دنباس و لهانسک به مرزهای روسیه نزدیک گردند، آنها در اوکراین سنگرهای عمیق حفر کردند، انبارهای بزرگ اسلحه ساختند، نیروی مسلح نازی‌ها را به صورت بخشی از ارتش اوکراین درآورده و فرماندهان نازی «آزوف» را به مقام‌های عالی‌رتبه ارتش اوکراین ارتقاء دادند. پس می‌بینیم که زمینه‌سازی فقط در عرصه فرهنگی نبود، بلکه زمینه‌سازی برای جنگ و تجاوز نیز بود که نتایج عملی روشن و نسل‌کشی اوکرائینی‌های روس‌تبار را به همراه داشت. از اوکراین دعوت شده بود در تدوین استراتژی سی سال آینده ناتو شرکت کند. اوکراین... ادامه در صفحه ۴

## پایان تسلط... دنباله از صفحه ۳

به بخش نامرئی ارتش تجاوزکار ناتو استحاله شد. مسئله تجاوز ناتو به روسیه یک امر زمانی و پیش رو بود. روسیه با نفوذی که در اوکراین داشت و با توجه به این که سی درصد مردم اوکراین روس تبار بوده و اکثریتی در آنجا به روسی تکلم می کنند از این تحولات خبر داشت. آنها که خواهان درگیری نبودند تلاش فراوان کردند تا با مذاکرات با اروپا سیاست حسن همجواری و صلح را در اوکراین حفظ کنند و حتی الامکان از برخورد و درگیری جلوگیری نمایند. روسیه رسماً اعلام کرده بود که تلاش برای این که اوکراین را با خلف وعده غرب، عضو ناتو کنند، اعلان جنگ به روسیه است و این خط سرخی است که روسیه آن را نخواهد پذیرفت. از نظر روسیه و همه جهان طرح عضویت اوکراین در ناتو اعلان جنگ رسمی غرب علیه روسیه بود. وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی به صراحت در کنفرانس اخیر جنب جی ۷ در آلمان به دولتمردان غرب اظهار داشت که منافع امنیتی روسیه را نمی شود نادیده گرفت. این منافع امنیتی مشروع است.

غرب با همان رسانه های دروغگوی خود، عوامفریبانه، سعی واهی نمود چنین جلوه دهد که گویا کشور اوکراین «داوطلبانه» و با «اراده آزاد» خویش قصد دارد عضو ناتو شود و این دل‌نگرانی روسیه بی‌اساس بوده و نقض حق حاکمیت ملی اوکراین است؟! البته واقعیات روشن و انکارناپذیر را نمی‌شود با لفاظی منکر شد و با شعبده‌بازی از صحنه سیاست جهانی محو کرد. آنها هم توسط غربی که در هیچ نقطه‌ای از دنیا برای حق حاکمیت سایر کشورها ذره‌ای ارزش قایل نبوده است. ترازنامه کودتاهای غرب در جهان از یک جلد کتاب ضخیم‌تر است. آمریکا به حق حاکمیت ایران، عراق، مصر، اندونزی، شیلی، ویتنام، کامبوج و... هیچ‌گاه احترام نگذاشته و نخواهد گذارد.

نیش عقرب نه از ره کین است

اقتضای طبیعتش این است

تجاوز به عراق، افغانستان، لیبی، یوگسلاوی و... اسناد غیرقابل انکاری است که غرب تصور می‌کند با جعل تاریخ و دروغ گوئی قادر است تاریخ را به زعم صهیونیسم و امپریالیسم بنویسد و از حافظه تاریخ خلق‌های جهان محو نماید. آقای «اولاف شولتس» (Olaf Scholz) صدراعظم آلمان حتی در دفاع بی‌چون و چرا از پیمان تجاوزکار ناتو مدعی شد که این پیمان دفاعی است؟! و به هیچ کشوری حمله نکرده است؟! و بیان کرد که غرب با تغییر مرزها در اروپا مخالف است. انسان در حیرت می‌ماند که در مقابل این همه دروغ صریح چه بگوید؟ آیا تجاوز به یوگسلاوی و تجزیه این کشور قدرتمند به چند نیمه‌مستعمره‌ی غرب که خود مستقلاً توانائی ادامه بقاء را ندارند، تغییر مرز در اروپا و تجاوز پیمان ناتو نبود؟ آیا ایجاد مرکزی به نام «کشور کوزوو» برای ماقیا و جنایت، فحشاء، قاچاق اندام آدم و فروش انسان و مواد مخدر تغییر مرزهای اروپا نیست؟ آیا اشغال قبرس توسط ارتش ترکیه که خود عضو ناتو است تغییر مرز و تجاوز ناتو نیست؟ ما از تجاوز ناتو توسط ترکیه و اروپا به سوریه، لیبی، عراق، افغانستان و... سخن نمی‌گوئیم. سخنان آقای «اولاف شولتس» توهین به تاریخ و شعور مردم و اوج بی‌شرمی و دروغ‌گوئی است. گواهی بر آن است که هرگز به این امپریالیست‌ها که به چشمان شما خیره می‌شوند و دروغ می‌گویند، نباید اعتماد کرد. چه

در مورد تمامیت ارضی و چه در مورد برجام و نقض حق حاکمیت ملی ایران. امپریالیسم غرب سوگند خورده و اعلام کرده بود که به توسعه ناتو نمی‌پردازد و قصد ندارد روسیه را محاصره کند، ولی این کار را کرد و آن را حتی با قلدری ادامه داد. چرا؟ مگر «خدائی ناکرده» جنگی قرار بود انجام شود؟ مگر خطری از جانب کشور روسیه که بعد از تلاشی اتحاد جماهیر شوروی فلج و زمین گیر شده بود، متوجه غرب بود؟ و یا چه کسی به نقض پیمان «منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برُد» (که نام کوتاه‌شده پیمان بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی برای حذف موشک‌های میان‌برُد و کوتاه‌برُد است) و در ۸،۱۲،۱۹۸۷، امضای گورباچف و ریگان رسید و حتا در ماه مه ۱۹۸۸ به تصویب سنای آمریکا نیز رسیده بود- همانند بسیاری از پیمان‌های بین‌المللی دیگر- متوسل شد و از آن خارج گردید به جز دونالد ترامپ رئیس جمهور وقت آمریکا؟ و به این ترتیب آگاهانه یکی از پایه‌های صلح جهانی را واژگون ساخت؟ مگر ادعا نمی‌شد که ناتو نه تنها یک پیمان «دفاعی» بلکه یک «فروشته» است؟ پس در مقابل کدام دشمن نامرئی، ناتوی تجاوزکار قدرت تسلیحاتی خودش را به سمت شرق اروپا توسعه داده، تقویت نمود و تا دندان مسلح کرد؟ این افسانه‌پردازی‌ها را نمی‌شود در ارزیابی‌های سیاسی، باخودفریبی مورد توجه قرار نداد. نمی‌شود بر این همه دروغ چشم بست، تسلیح این کشورها را زیرسبیلی در کرد، تبلیغات ضد روسیه را نادیده گرفت، پاره کردن قراردادهای نا ندید، خلف وعده‌ها را به حساب نیاورد و مدعی شد «انشاءالله گریه است». فقط سیاستمداران خودفروخته و حاکمان احمق می‌توانند خود را تسلی دهند که ارزیابی‌هایشان در مورد تجاوزکاری و جنگ‌طلبی و جنگ‌افروزی ناتو خواب و خیال است و باید به خواب غفلت فرو روند. اگر ایران خود را به موشک، پهپاد و ابزار پیش‌رفته نظامی، نیروی دریائی و... مسلح نمی‌کرد، اگر ایران سیاست راهبردی دوراندیشانه در منطقه، در آفریقا و آمریکای جنوبی اتخاذ نمی‌کرد، معلوم نبود امروز چیزی از ایران در مقابل این گرگ‌های هار باقی می‌ماند. اوکراین به یاری ناتو خود را با تمام قوا حداقل از سال ۲۰۱۴ برای تجاوز به روسیه آماده می‌کرد. این تجاوز باید در ادامه کودتای شکست‌خورده غرب در قزاقستان که به قصد محاصره روسیه انجام شد صورت می‌گرفت. حتی انقلاب مخملی چند تا مانکن خوش بر و رو در روسیه سفید برای انجام کودتا نیز با شکست روبرو شد و رویای غرب در محاصره روسیه از چند جانب بر باد رفت. این دو کودتای نافرجام و تسلیح اوکراین بخشی از استراتژی ناتو برای تضعیف، تجاوز و تجزیه روسیه بود که در خدمت خفقان و مهار چین به منزله رقیب اصلی انجام می‌شد. کاخ دسیسه‌های غرب با پیشدستی روسیه به یک باره درهم شکست و غرب ابتکار عمل خود را از دست داد.

سیاست‌مداری که خود را فریب دهد به خیانت مشغول است و باید از کرسی حکومت پائین کشیده شود. روسیه کشور امپریالیستی است ولی هدف روسیه در شرایط کنونی کنونی کشورگشائی نیست زیرا توان این کار را ندارد. سیاست روسیه در شرایط کنونی کنار آمدن با غرب بود و از آنها می‌خواست که حاکمیت روسیه، حقوق روسیه، تمامیت ارضی روسیه و حق حاکمیت ملی روسیه را به رسمیت بشناسند. سیاست روسیه فراهم کردن فضای تنفس برای خود بود، حتی با کودتای نازی‌ها در

اوکراین نیز کنار آمد ولی غرب که برای تجزیه روسیه و تسلط کامل بر جهان گام برمی‌دارد، این تلاش‌های روسیه را ضعف این کشور تلقی کرد و به فشارهای خویش برای تجزیه روسیه و تسلط بر جهان و تدارک حمله به چین و تحقق یک آئین تک قطبی ادامه داد. این سیاست آمریکا فقط نقض و تهدید حق حاکمیت ملی روسیه و تمامیت ارضی این کشور نبود، بلکه تهدیدی برای بشریت و همه کشورهای جهان بود و هست. آمریکا اعلام کرد که فقط زبان زور را می‌فهمد. زورآزمائی امپریالیسم آنگلساکسون در اوکراین و سیاستی که آنها در آنجا در پیش گرفتند تقسیم جدید جهان، مهار کردن اروپا، مبارزه با استقلال چین و سایر کشورها و از جمله غارت ایران است. غربی که قادر شود تمام حقوق بین‌الملل را به زیر پا بگذارد، کوپا، ونزوئلا، عراق، افغانستان، سوریه، لیبی و ایران را تحریم و تهدید کند، اموال آنها را که به امانت نزد آنهاست بدزد، خطری برای همه جهان است و شکست و سرکوب این عفریت جهانی به نفع بشریت است. امروز ما در مقابل این انتخاب قرار داریم که آیا می‌خواهیم از استقلال کشورها، حق حاکمیت آنها دفاع کنیم و یا نوکری امپریالیسم غرب و صهیونیسم را بپذیریم. جهان در پرتگاه این انتخاب قرار گرفته است: ادغام در سلطه دلار این کاغذ پاره بی‌پشتوانه تا آمریکا و غرب در رفاه و نعمت زندگی کنند و یا قطع این بند اسارت تا تمام بار بحران ایجاد شده و تورم آمریکائی به خود آمریکا بازگردد و بار بحران را نه ملت‌های جهان بلکه حاکمان آمریکا به دوش بکشند. جهان بر سر این دو راهی قرار دارد و نه این که انقلاب پرولتری در دستور روز طبقه کارگر قرار دارد و باید «جنگ امپریالیستی را به جنگ مسلحانه داخلی بدل کند». در این نبرد عظیم کنونی جهان، روسیه، چین، هند، برزیل، آفریقای جنوبی، ایران، سوریه، ونزوئلا آرژانتین، بولیوی، کلمبیا و... در یک طرف و غرب غارتگر در جانب دیگر قرار گرفته است. دیگر ابزارهای بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و سیاست‌های استعماری نئولیبرالی که در ایران هنوز اجراء می‌شوند در جهان آینده جائی ندارند. سیاست جهانی شدن سرمایه و غارت جهان از طریق تولید در ممالک فقیر با دستمزد پائین در حال فروپاشی است و غرب کنترل خود را بر این بازارها از دست داده است و باید گمرکات خود را برپا دارد و افزایش دهد. این بازارهای غرب است که اکنون تهدید می‌شود. این غرب است که باید از راه رفته باز گردد.

جنگ اوکراین نیشتری به این دُم عفونی بود و حال چرک و خون است که سرزیر می‌شود.

کسی که نتواند این جامعیت را مد نظر قرار دهد، در تاریخ کورمال کورمال حرکت خواهد کرد. غرب به‌خودغره می‌تواند با هوچی‌بازی از «جنگ پوتین» صحبت کند و عمالش را بسیج کند که مانند همیشه از مخالفان غرب دیو بسازند، همانگونه که از مصدق ما ساختند تا تجاوز و جنایات خویش را توجیه کنند. آنها حاضر نیستند در هیچ کجای جهان منافع امنیتی کشوری را به رسمیت بشناسند. امنیت آنها امنیت سرمایه و کوچه بن‌بست است. آقای جیمی کارتر در تعیین سیاست امنیتی آمریکا خلیج فارس را حریم امنیتی آمریکا تعریف کرد، در حالی که این حریم امنیتی ایران و همسایگان ایران است. «امنیت» در روایت غرب امنیت سرمایه‌ها و... ادامه در صفحه ۵

## با تسلط رویونیسم در حزب طبقه کارگر، ماهیت پرولتری حزب تغییر می‌کند

## پایان تسلط... دنباله از صفحه ۴

منافع امپریالیسم است و این است که به اعتراضات روسیه مبنی بر این که باید به علائق امنیتی روسیه توجه شود کوچک‌ترین اعتنائی نمی‌کردند، زیرا قصد تجاوز به این کشور را داشتند. پرسش این است که مگر امنیت یک جانبه نیز وجود دارد؟ امنیت کشورها بر اساس احترام متقابل، منافع متقابل و سود متقابل تعریف می‌شود. تعریف و تفسیر امنیت برعهده حقوق‌دانان غرب نیست. تحریم ایران؛ تعیین نوع سیاست خارجی ایران که دلپذیر آمریکا و اسرائیل باشد، نقض امنیت ملی ایران و حق حاکمیت کشور ماست و ایران حق دارد در مقابل آن واکنش نشان دهد. ایجاد یک کشور مصنوعی صهیونیستی در خاورمیانه نقض امنیت همه کشورهای منطقه است و این فقط یک مسئله زمانی است که کشورهای منطقه خود را از شر این بالای منطقه‌ای خلاص کنند. مهار کردن نازی‌ها در اوکراین توسط روسیه ماهیتا اقدامی بازدارنده و ممانعت از درگیری جنگی بود که آمریکا می‌خواست به اروپا و آسیا تحمیل کند. خلع سلاح غرب و نازیسم در اوکراین گامی در جهت احترام به امنیت کشورها، رعایت حقوق کشورها به صورت همه‌جانبه و توسط همه کشورها باید باشد. روسیه جنگ مخفیانه‌ای را که ناتو موزیانه، گام به گام علیه روسیه و نه تنها روسیه بلکه جهان و به ویژه آسیا تدارک دیده بود و سال‌ها این جنگ مخفی و بیرحمانه در جریان بود برملا کرد. پایان دادن به مناقشات میان دست‌نشانندگان غرب در اوکراین با دولت روسیه جلوگیری از توسعه ناتوی تجاوزکار است و به همه کشورهای اروپا این امکان را می‌دهد که خود را از زیر بار یوغ امپریالیسم آنگلوساکسن رها کنند. اروپای بعد از شکست اوکراین نازی، اروپای قبل از آن نخواهد بود. مبارزه طبقاتی در این اروپا پا گرفته و تشدید خواهد شد. این جنگ نقطه پایانی به غارت بی‌امان غرب می‌گذارد و دنیای چند قطبی که البته بازم سرمایه‌داری است دیگر نمی‌تواند دنیای خودسری و افسارگسیختگی غرب باشد که برای کشورها و ملت‌ها تصمیم بگیرند. کمر استعمارنویین نیز شکسته خواهد شد. تناسب قوای جهانی با حضور چین، روسیه و هند. با پیدایش «بریکس» برهم خواهد خورد و کشورها بخت فراوانی برای کسب، استقلال، تحکیم استقلال، تولید داخلی ملی، ثروتمندتر شدن به دست خواهند آورد. حاکمان اروپای «چشم آبی و مو بلوند» امکانات ناچیزی خواهند داشت تا اشرافیت کارگری را تقویت کنند و ادا اطوار «دموکراسی» و حمایت از «حقوق بشر» در آورند. گرچه بورژوازی غرب حال دندان‌های خود را نشان خواهد داد ولی دنیای آینده روشن است و به سوی رهائی بشریت گام برمی‌دارد و این همان تحلیل مشخص از شرایط مشخص است. این که از جنگ امپریالیستی سخن بگوئیم و خانه‌نشینی را انتخاب کنیم حاکی از سردرگمی و نه برخورد انقلابی ماست.\*

## گسترش پیمان... دنباله از صفحه ۱

اسرائیل با این کشورها برای فروش تسلیحات خود، محاصره ایران و استفاده از اعراب برای مقاصد صهیونیستی خویش است که با مخالفت همه ملت‌های عرب روبروست. نزدیکی خلیفه بحرین با اسرائیل به معنی نزدیکی مردم بحرین که هر آن مترصد سرنگونی خلیفه مترجم بحرین و نزدیکی با ایران هستند، نیست. پاهای این پیمان ضد‌مردمی مورد نفرت اعراب، چوبین می‌باشد. همه ملل عرب و حتی ملل جهان می‌دانند که این پیمان مرده به دنیا می‌آید و مورد نفرت جنبش آزادی‌بخش مردم فلسطین است. دولت جو بایدن از روی استیصال، در سرفرش به خاورمیانه، در نیمه ماه ژوئیه به این صحنه‌سازی برای حل مشکلات داخلی خود نیاز دارد که کار مهم و «مبتئی» در ترازنامه فعالیت‌های ورشکسته خارجی خود وارد کند تا در انتخابات پیش‌روی کنگره آمریکا اکثریت خویش را از دست ندهد. ضعف بایدن روشن است زیرا باید با قاتل خاشخچی که وی را تکفیر کرده بود سرافکنده دست دهد و در رفتار خود نسبت به وی علی‌رغم نفرت کنگره آمریکا از او، حقیرانه تجدید نظر نماید. این سبک کار آمریکا بی‌اعتباری و پوچی تمام حرف‌ها و ادعاهای آنها را برای جهانیان به نمایش می‌گذارد. سیاست نان به نرخ روز خوردن حتی اگر این نان مملو از کپک باشد. همگان بر این باورند که این پیمان یا مرده به دنیا می‌آید و یا در شرف مرگ زودهنگام است. آمریکا می‌خواهد از بار حمایت ناتو و اروپا که به نیروی آنها در اروپا احتیاج دارد در منطقه خاورمیانه بکاهد و بخشی از حمایت از اسرائیل برطرف کردن «خطر» از این کشور را بر دوش اعراب بیاندازد تا هزینه این اقدامات را با دلارهای نفتی بپردازند. این اتحاد اعراب سازشکار برای مهار جنبش فلسطین و سرکوب آنها نیز هست. قدرت گرفتن ایران در منطقه علی‌رغم خرابکاری و ظن‌فروشان داخلی و خارجی و همه کسانی که خواهان تسلیم بلاشروط ایران در برجام هستند و برای خلع سلاح ایران از ارتش آمریکا جلو زده‌اند، خاری به چشم ارتجاع منطقه است که با ایجاد تنش و رخنه‌گری صهیونیسم و تبلیغات ایران‌هراسانه آهنگ آن دارند که این ناتوی عبری-عربی- غربی را مجلس‌پسند کنند. بنی گانتس، وزیر دفاع اسرائیل سه‌شنبه ۲۴ خرداد در جریان مراسم اعطای جایزه موسوم به «امنیت اسرائیل» برای سال ۲۰۲۲ رسماً خواستار تشکیل یک ائتلاف نظامی-دفاعی-امنیتی منطقه‌ای علیه ایران به رهبری آمریکا شد که کشورهای عربی همسو با واشنگتن را نیز دربر می‌گیرد. این در حالی است که پیش از آن اسرائیل سامانه‌های راداری خود را در بحرین و امارات نصب کرد. مضافاً گانتس عنوان داشت که اسرائیل به همراه شماری از کشورهای منطقه در حال تشکیل یک ائتلاف دفاع هوایی با حمایت آمریکا در خاورمیانه است. ضمن این که اعضای دموکرات و جمهوری‌خواه سن و مجلس نمایندگان از طرحی رونمایی کردند که هدف آن یکپارچه‌سازی سیستم‌های پدافند هوایی کشورهای خاورمیانه و اسرائیل برای مقابله با «تهدید هسته‌ای، موشکی و پهپادی ایران» است. این تلاش‌ها از جمله هراس از قدرت ایران است که توانسته با تکیه به دانش دانشمندان ایرانی به موشک و پهپادهای پیشرفته دست یابد، صنایع پدافندی خویش را مدرن کرده و گسترش دهد به طوری که آمریکا هم از این قدرت نظامی در هراس است. امروز بدون قدرت نظامی که پشتوانه سیاست خارجی ایران، حفظ تمامیت ارضی و حق حاکمیت و منافع ملی ایران است، امکان ادامه بقاء در میان غفرت‌هایی نظیر آمریکا، اروپا،

اسرائیل و ارتجاع منطقه وجود ندارد. تقویت قوای نظامی ایران شرط بقاء ایران است و فقط ایران‌فروشان خواهان خلع سلاح ایران در برجام هستند. این سیاست آمریکا پیشینه‌دار است. امپریالیسم آمریکا در گذشته نیز با ایجاد پیمان بغداد در زمان عراق سلطنتی و سپس پیمان «سنو» که متشکل از ترکیه، ایران و پاکستان بود، پیمان تجاوزکار آتلانتیک شمالی (ناتو) را به پیمان «سیتو» که شامل پاکستان، آمریکا، استرالیا، بریتانیا، تایلند، فرانسه، فیلیپین و نیوزیلند بود برای محاصره شوروی و چین توده‌ای متصل کرده بود. انقلاب ایران تیر خلاصی به این پیمان بود و بند «سنو» را از «سیتو» گسست و این حلقه محاصره را درهم شکست. فروپاشی شوروی، ضعف روسیه، گسترش ناتو به سمت شرق و تسلیح اقمار سابق شوروی و سرانجام سیاست تسلیح ممالک سابق فدراسیون شوروی و ایجاد تنش و فضای جنگ و بربریت در جهان، یکی از مولفه‌هایی بود که چهره جهان را به نفع ابرقدرت یکه‌تاز آمریکا تغییر داد. با ورود چین به بازار جهانی و قدرت گرفتن آنها و با تجدید قوای روسیه در تحت رهبری پوتین، با ایجاد اتحادیه «بریکس» و حمله به امپراتوری دلار، دنیای اورآسیا شکل گرفت و این ممالک که در بستر جاده ابریشم به تقویت و حمایت متقابل نیاز دارند، امروز به قطبی قدرتمند و غیردلاری در جهان بدل می‌شوند که با دور زدن سازوکار مالی سویفت و دلار کمر امپراتوری و قدرت آمریکا را می‌شکنند. دنیا به سمت نظم نوینی در جهان که یک نظم چندقطبی است در حرکت است و یک مامور انتظامات به نام بانکی نمی‌تواند برخلاف اراده ملت‌ها نظم مورد نظر خود را مستقر سازد. کشورهای جهان که تضعیف آمریکا و عروج چین، روسیه، هند و سایر ممالک را می‌بینند از هم اکنون برای دنیای بعد از قدرقدرتی آمریکا حساب‌های جدید باز می‌کنند. بهانه مبارزه با کمونیسم دیگر رنگی ندارد زیرا روسیه نیز ماهیتا با آمریکا فرقی نداشته و سرمایه‌داری امپریالیستی است. تکیه بر این امتیاز تبلیغاتی سابق آمریکا امروز رنگ باخته است. امروز نهر بزرگ تغییرات جهان آینده در این جهت جاری است و هر کس قایت خود را به این نهر نیفکند در خشکسالی تشنه لب خواهد مرد. دسته‌بندی‌های جهانی در حال شکل گرفتن است و بلوک اورآسیا استخوان‌بندی اساسی خویش را یافته است. ایران در این بخش از جهان به کوری چشم ایران‌فروشان، نقش ایفاء می‌کند و سیاست محاصره امپریالیستی که در گذشته مورد استفاده ناتو بود، امروز باید با نیت محاصره اورآسیا اجراء شود و ایران بخشی از هدف این محاصره است. تلاش آمریکا برای این که ممالک عربی را به رهبری اسرائیل به حلقه‌ای از زنجیر محاصره اورآسیا کشانده و آنها را از این رستاخیز ممالک آسیا دور نگهدارد مسلماً با شکست روبرو خواهد شد. این بار ایران تنها نیست و پیمان ناتوی عبری-عربی- غربی با قدرت «بریکس» روبروست. پیدایش این پیمان مرده را باید از این منظر جهانی و اقتضای شرایط کنونی جهانی مورد ارزیابی قرار داد که حتی از این منظر نیز این پیمان مرده است. در گذشته امپریالیسم بریتانیا برای حفظ سلطه جهانی خویش سیاست ژئوپلیتیک خویش را در آن می‌دید که در خاورمیانه به تضعیف کشورها بپردازد، تفرقه و تجزیه را در میان آنها دامن زند تا این ممالک ضعیف نتوانند موی دماغ این استعمارگر در غارت هندوستان که انبار ثروت بریتانیا بود بشوند. دامن زدن به تفرقه، علم کردن شیخ خزعل‌ها در دوران قاجار بخشی از این سیاست راهبردی بود. با پیروزی انقلاب کبیر و دوران‌ساز... ادامه در صفحه ۶

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

۱- «میشائیل لودرز» (Michael Lüders)، کارشناس سرشناس آلمانی و مشاور خانم مرکل در امور خاورمیانه، در گفت‌وگو اخیر خود تحت عنوان «اوکراین، برتر از همه» در باره اخلاق و سقوط اقتصادی.

گسترش پیمان... دنباله از صفحه ۵

اکتبر و سرنگونی تروریسم روس، بریتانیا در وضعیت تحول یافته جهان، به ایران متحد برای ممانعت از نفوذ کمونیسم و رخنه آنها به هندوستان نیاز داشت. ایجاد وحدت ایران، سرکوب ایلات و عشایر، یاغیان، گردنکشان، شیخ خزعل‌ها و به ویژه جنبش‌های دموکراتیک و انقلابی نظیر جنبش جنگل، محمد تقی خان پسیان، لاهوتی در دستور کار انگلستان قرار گرفت و فرد مورد اعتماد و شایسته برای این کار رضاخان میرپنج بود که با توصیه ژنرال آبرونساید انگلیسی عهده‌دار این وظیفه شد. سیاست رضاخان در آن دوران اجرای بی‌برو برگرد سیاست راهبردی انگلستان در ایران بود که حتی منجر به بلذ و بخشش خاک ایران به همسایگان از جمله منطقه قره‌سو در مرز نخجوان به ترکیه شد تا «امنیت و یکپارچگی» ایران حفظ شود. با فروپاشی شوروی، سربرآوردن چین، پیدایش «بریکس» و اوروآسیا، ایران قدرتمند و یکپارچه خار چشم امپریالیسم و صهیونیسم در این منطقه است. بریتانیا حال به سیاست سابق خود یعنی به شرایط قبل از جنگ جهانی اول برمی‌گردد. تمام تلاش ارتجاع منطقه و قدرت‌های استعماری جهان از آمریکا گرفته تا اروپا و استرالیا و نوکران منطقه‌ای آنها در این است که ایران را تجزیه کنند، به اختلافات قومی دامن بزنند، در پی تلاشی ایران باشند، برجام را به ایران تحمیل کنند، ایران را خلع سلاح نمایند، از نفوذ ایران در سوریه، لبنان، عراق، یمن، افغانستان، آسیای میانه و آمریکای لاتین جلوگیری کنند تا ایران مضمحل شود. این سیاست کنونی امپریالیسم در مورد ایران است و در متن سیاست عمومی آنها در مقابل رشد جهان چندقطبی می‌گنجد.

امپریالیسم در ایران نیز متحدانی دارد که در اطاق بازرگانی، بانک‌های خصوصی و دولتی، مراکز اقتصادی و سیاسی در دانشگاه‌ها و اندیشه‌های رنگارنگ، در شبکه‌های اجتماعی پنهان شده‌اند. این متحدان از حامیان سرسخت اجرای سیاست‌های ریاضتی و نئولیبرالی، خلع سلاح ایران، کنار آمدن با اسرائیل و آمریکا و... در ایران‌اند تا نارضایتی عمومی را تشدید کنند، استثمار را افزایش دهند با سیاست احتکار، گرسنگی و فقر ایجاد کنند، به دزدی و راهزنی بپردازند، اختلاس نمایند، دستگاه‌های دولتی را از آفازاده‌های مفت‌خور پر کنند، رشوه‌خواری را رواج دهند، حقوق کارگران را چپاول کنند، به زنان توهین نموده آنها را تحقیر نمایند تا ارتش ناتو در درون ایران نیز پا بگیرد و قدرتمند شود. آنها از درون نیز در پی نابودی ایران هستند و حداقل بخشی از حاکمیت ایران با آنها همخوانی دارد. عمال ایرانی آمریکا با بی‌شرمی از حقوق مشروع اسرائیل و آمریکا در ایران سخن می‌رانند. خانواده منفور و مافیای رفسنجانی، «سردار سازندگی» که همان سردار ساخت و پاخت با غرب است، سرکرده و زبان این خط است. آنها در برباد دادن بخت‌های ایران در بعد از انقلاب نقش مخربی بازی کرده، مسئول قتل‌های زنجیره‌ای بوده، مسئول ترورهای خارج از کشور و مامور اجرای سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در لباس سیاست‌های تعدیلی و نئولیبرالی در ایران بوده‌اند. مبارزه با این ناتوی داخلی به مراتب خطرناک‌تر و سخت‌تر است. هاله‌ای از اصلاح‌طلبان که در تمام این مدت در حکومت قرار داشته و بانی فاجعه کنونی و دشمنی ایران با همسایگان خود در افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، چین، روسیه و... هستند به حول این خانواده مافیائی حلقه حفاظتی کشیده‌اند. مبارزه با ناتوی عبری-عربی-عربی را باید با ناتوی داخلی مافیای

رفسنجانی و متحدانش هماهنگ ساخت. حکومتی که در پی استحکام دژ محصور ایران در مقابل با دشمنان خارجی باشد و از دشمنان بیرحم و جان‌سخت داخلی غافل گردد، زمانی به خود خواهد آمد که ایران‌فروشان کشور را از درون متلاشی ساخته و دروازه‌های کشور را به روی کشورهای متخاصم گشوده‌اند. در شرایط کنونی جهان که گذار از مرحله یک قطبی به چند قطبی در جریان است مبارزه سخت‌تر گشته، تضادهای تشدید شده و دشمنان ایران به بیرحمانه‌ترین ابزار برای فرجام خیانت ملی توسل می‌جویند و این مدتی است که آغاز شده است.\*

### از حمایت مالی شما سپاسگزاریم

حزب کار ایران (توفان) از بدو پیدایشش به نیروی خود متکی بوده و از هیچ منبع خارجی کمک مالی دریافت نکرده است و به این امر افتخار می‌کند. هر کمک مالی شما به حزب کار ایران (توفان) هر چقدر ناچیز باشد برای ما ارزشمند است. زیرا بقاء ما از جمله به این کمک‌ها بستگی دارد. قطره قطره جمع شود، وانگهی دریا شود.

« علی پیرمحمودی ۱۰۰ یورو  
« خرمگس ۵۰ یورو  
« لغزان ۴۳۰ یورو  
« رضا ۵۰ یورو

### اجلاس اضطراری... دنباله از صفحه ۸

در اوکراین نه تنها روسیه را از نظر اقتصادی و نظامی به قدرتی جهانی بدل کرده، بلکه تضاد میان ممالک اروپا و امپریالیسم انگلوساکسون را تشدید کرده است. خودشان مدعی هستند: «از جمله مهم‌ترین موضوع‌ها در این اجلاس، بحث درباره تعیین سقف برای قیمت جهانی نفت است. یکی از اهداف این طرح، آن است که روسیه بیش از این افزایش چشم‌گیر قیمت جهانی نفت سود نبرد». و این خواب و خیالی بیش نیست زیرا اکثریت ممالک مهم از نظر اقتصادی و سیاسی و ارضی و ... در جهان در تحریم‌ها شرکت نکرده و از روسیه با ارز روسی یعنی روبل که جای دلار را گرفته است نفت می‌خرند. در کنار روسیه مسئله چین نیز مطرح است و بر اساس گفتار رسانه‌ها: «افراد نزدیک به دولت آلمان می‌گویند که سران کشورهای گروه هفت همچنین درباره نحوه تعامل با چین به ویژه از منظر اقتصادی، گفت‌وگو خواهند کرد.»

روبرت هابک، وزیر اقتصاد آلمان که دارد با وقاحت نقش دکتر «بالمار ساخت» رئیس بانک مرکزی هیتلر را بازی می‌کند در ماه مه گزینه تعیین سقف قیمت نفت را مطرح کرد و گفت: «از این طریق می‌توان هم روسیه را تحریم کرد و هم قیمت نفت را تحت کنترل درآورد» که طبیعتاً سخنانی پوچ و واهی برای فریب مردم است. بهای نفت را عرضه و تقاضای بازار تعیین می‌کند و کشورهای گروه هفت قادر نیستند با تهدید و تطمیع و فشار هم به افزایش تولید نفت مبادرت ورزند و هم قیمت نفت را به ضرر ممالک نفت‌خیز کاهش دهند. آنها برای منفرد کردن روسیه تلاش بیهوده کردند تا با دعوت سران

ممالک آرژانتین، به عنوان نماینده اتحادیه کشورهای آمریکای لاتین، آفریقای جنوبی عضو «بریکس»، کشور سنگال به عنوان نماینده اتحادیه ممالک آفریقائی، هندوستان عضو «بریکس»، اندونزی رئیس دوره‌ای سران ممالک گروه ۲۰ و میزبان این سران از جمله روسیه و چین در شهر بالی، آنها را علیه روسیه و تحریم این کشور و نخریدن نفت از روسیه تشویق کنند.

تمام این ممالک بدون استثناء تودهنی محکمی به کشورهای گروه ۷ زدند و از استقلال خود و منافع ملی کشورشان به دفاع برخاستند. وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی به صراحت گفت که غرب باید منافع امنیتی روسیه را در نظر می‌گرفت و آن را مشروع خواند. نماینده دولت آفریقای جنوبی که به مناسبت مراسم جشن ملی روسیه به سفارت این کشور در پایتخت آفریقای جنوبی دعوت شده بود در آنجا با جام مشروبی در دست به صراحت گفت: «عصر برتری صدها ساله غرب به پایان رسیده و بر باد رفته است و باید برای وضع بهتر و نو جا باز کند.»

آقای «مکی سَال» (Macky Sall) رئیس جمهور سنگال به عنوان نماینده اتحادیه آفریقا، بحران غلات و بروز گرسنگی در جهان و آفریقا را ناشی از جنگ و تحریم روسیه دانست و اعلام کرد که در این تحریم‌ها شرکت نمی‌کند. غرب نسبت به این گرسنگی که منبع درآمد غرب است و سهام شرکت‌های غربی را افزایش می‌دهد، بی‌تفاوت است، در حالی که دولت روسیه به سنگال وعده داد که زمینه صدور غلات را به آفریقا

برای ممانعت از تشدید بحران گرسنگی فراهم کند. ولی معلوم نیست که ناتو با خروج غله از اوکراین موافقت کند. دولت هندوستان به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای و «بریکس» حاضر نشد مناسبات حسنه خود را با روسیه برهم زند و از تجارت با روسیه و خرید نفت ارزان از آن کشور سر باز زند. هندوستان حتی نفت ارزان خریداری شده از روسیه را در بازار آزاد با بهای گرانتری می‌فروشد و سود می‌برد. تقریباً تمام تسلیحات نظامی هندوستان از روسیه وارد می‌شود و این شوروی بود که به هندوستان کمک کرد تا پاکستان شرقی را که اکنون بنگلادش نامیده می‌شود در تضعیف جبهه چین از پاکستان جدا کند. هندوستان به حسن همجواری با چین و دوستی با روسیه اهمیت فوق‌العاده می‌دهد. دولت آرژانتین که ریاست جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب را به عهده دارد حاضر نشد روسیه را محکوم کرده و تحریم نماید. این روسیه بود که به آرژانتینی‌ها در زمان بحران کرونا واکسن اسپوتنیک صادر کرد و آنها را از سرایت همه‌گیر بیماری نجات داد. اروپا در آن زمان واکسن اسپوتنیک را چون روسی بود، نژادپرستانه تحریم کرده بود. دولت چین میلیاردها دلار در این کشور بر اساس سود متقابل سرمایه‌گذاری کرده است و در قطب اوروآسیا قرار دارد. تنها پیروزی سران ممالک گروه ۷ این بوده که کشور اندونزی را مجبور کردند از دلفکی به نام زلنسکی نیز دعوت کند در نشست سران گروه ۲۰ در بالی به طور مجازی شرکت کند. خوب است بدانیم اوکراین اساساً عضو گروه ۲۰ نیست. زلنسکی قبلاً تلاش کرده بود نشستی با ۵۴ کشور آفریقائی برگزار کند که در آن تنها ۴ کشور شرکت کردند. حال این بی‌آبرویی زلنسکی را می‌خواهند با شرکت تحمیلی و نمایشی در اجلاس سران بیست... ادامه در صفحه ۷

**پیمان تجاوز کار ناتو منحل باید گردد!**

## حمایت غرب ... دنباله از صفحه ۸

به حد کافی گویاست. ولی آیا فقط سخنان سفیر اوکراین در آلمان که نقش وزارت امور خارجه آلمان را به عهده گرفته است یک نظریه شخصی است، و دستگاه حاکم مستقر در اوکراین از این اتهامات مبری است؟ حال به واقعیات دیگری رجوع کنیم:

نشریه زود دوپچه تسایوننگ در شماره ۲۶/۲۵ ماه ژوئن ۲۰۲۲ مطالب زیر را درج کرده است.

حاکمان در کی‌یف در طی این مدت نام ۲۹۶ خیابان را تغییر داده‌اند آخرین آن، نام یکی از کشته‌شدگان دونباس بود که قبلاً در اعتراضات «مایدان» نیز به عنوان جوانکی شرکت داشت و مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود. در مراسم تشییع جنازه وی صدها نفر در کی‌یف شرکت داشتند زیرا وی هم شهید بود، هم مبارزی آزادی‌بخش و هم ضدروس. البته اگر پوسته گزارش دوپهلوی نشریه زوددوپچه را به کناری بگذاریم وی یکی از افراد آژوف و نازبست بود. شهرداری کی‌یف تصمیم گرفته است که شهر را «روس‌زدائی» و «استعمارزدائی» بکند و پیشنهادات ارسال را برای اتخاذ تصمیم «دموکراتیک» به صورت شورائی و مشارکت مردم می‌پذیرد. حتی برای این کار یک برنامه کاربردی یعنی یک «آپ» شهروندی خلق کرده‌اند که در فضای مجازی در دسترس است. این برنامه مجازی فقط برای پیشنهادات ضدروسی شهروندان نیست بلکه شکل پوششی آن این است که از طریق آن شما می‌توانید قبوض برق، آب و یا سایر خدمات شهری را انجام دهید، روس‌زدائی نیز بخشی از این کارت شناسائی شهروندی به شمار می‌رود؟! وای به حال کسی که سکوت کند و با نازی‌ها همکاری ننماید؟! بر اساس این سیاست کی‌یف می‌خواهد خود را از نفوذ روس‌ها خلاص کند و این فقط شامل رسانه‌ها، هنر و آموزش، نمی‌شود، بلکه اسامی میدان‌ها، راه‌ها، ایستگاه‌های مترو را نیز در برمی‌گیرد که باید اوکرائینی شوند.

این فقط به اسامی رهبران و صاحب‌منصبان نخواستہ شوروی سابق و کمونیست‌های شوروی برنمی‌گردد، بلکه میدان لئو تولستوی را نیز دربرمی‌گیرد. مثلاً میدان مسکو به میدان سلسله «کنیازف استوروسکیخ» (Kniazev Ostrovskykh) که یک سلسله فتودالی امپرنشین لیتوانی-لهستانی بوده است تغییر نام می‌دهد که گویا این نیاکان به فرهنگ و حاکمیت اوکراین خدمت کرده است و یا خیابان سن پترزبورگ به خیابان «لندنسکا» یعنی لندن تغییر نام می‌دهد. نام‌ها به نام شعرا، سرداران، نویسندگان، قهرمانان ملی و قزاق‌ها تغییر می‌کنند. یکی از بیشترین نام‌های مورد توجه شهرداری قهرمان کتاب «ارباب حلقه‌ها» نوشته نویسنده تخیلی انگلیسی «جان رونالد رونل تالکین» است که از آن به عنوان توهین به روس‌ها استفاده می‌کردند. پیشنهاد دیگر شهرهای آمریکا است که اوکرائینی‌ها به آنجا مهاجرت نموده‌اند نظیر شیکاگو یا نیویورک. نام‌های دیگر شامل مکان‌هایی است که برضد روس‌ها از خود «قهرمانی» نشان داده‌اند.

بر برخی خیابان‌ها نام پهبادهای (بایراکتار) و یا راکت‌های ضدهوایی مانند (ژاولین) را می‌نهند. نام گردان آژوف که نیروی ضربتی نازی‌ها بود بخشی از پیشنهادات است. نام خانواده پارتیزان‌های ضدنازی تغییر می‌کند و به نام نویسندگان آمریکائی بدل می‌گردد و همه این اقدامات را آقای «ویتالی کلیچکو» بوسکور شهردار کی‌یف و مامور آلمان‌ها در اوکراین مبارزه فرهنگی با سمت‌گیری نوین می‌نامد. معلوم نیست چنانچه نام‌های روسی به آمریکائی و انگلیسی بدل شوند که تغییر نام جز خودتحقیری و خودتوهینی چیز دیگری نیست، چه ربطی به مبارزه آزادی‌بخش و استقلال اوکراین دارد؟ استقلال به مفهوم حق تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری مستقل و به نفع منافع ملی است و نه این که کشوری داوطلبانه تصمیم بگیرد نوکر آمریکا شود. این در واقع حق تعیین سرنوشت به دست آمریکاست. استعمار داوطلبانه، نوکری مستقلانه طبیعتاً استقلال نیست عوامفریبی است. وزیر فرهنگ کی‌یف آقای «اولکساندر تکاچنکو» تحصیلکرده دانشگاه هاروارد آمریکا، هوادار از بین‌بردن موزه‌ها و چایکوفسکی به منزله نماینده امپریالیسم است. وی از نشست جی ۷ تقاضای کمک مالی کرده است تا هنرمندان روسی را از اوکراین اخراج کند و هنرمندان اوکرائینی را به اوکراین دعوت نماید. وی مدعی شد روس‌ها ملیت ما را نفی کرده‌اند. استالین ادیبان ما را کشت. ما صدتا خیابان پوشکین داریم در حالی که پوشکین یک بار هم در اوکراین نبود.

آری تندیس‌ها باید برچیده شوند که منظورش البته تندیس‌های ضدنازی و نماد آزادی شوروی در جنگ جهانی دوم است. وی تاکید می‌کند که موسیقی روسی را ممنوع کرده‌اند ولی اضافه می‌کند منظوم موسیقی مدرن روسی است ولی موسیقی کلاسیک روسی را ما قدغن نکرده‌ایم خود اپراها و یا ارکسترها، چایکوفسکی را اجراء نمی‌کنند. در مقابل این پرسش که از هنر چایکوفسکی و یا چخوف استفاده خواهید کرد وی مدعی است که «هوادار یک دوره تنفسی است». این آقای وزیر فرهنگ ورود کتب روسی را به اوکراین ممنوع کرده است. در مورد کتابخانه‌های عمومی با آثار روسی نیز بیان می‌کند هدف روس‌زدائی آن است که همه کتب روسی را عوض کنند. تحصیل و آموزش به زبان روسی ممنوع شده است. در مورد زبان روسی وی مخالفت خود را با زبان تجاوزکاران بیان کرده و تصریح می‌کند که ما همانگونه که قبل از تجاوز روسیه شروع کرده بودیم تا زبان اوکرائینی را جا بیاندازیم و از تکلم زبان روسی جلوگیری کنیم، این امر تسریع خواهد شد. این که یک سوم مردم اوکراین روسی صحبت می‌کنند برای این آقای وزیر فرهنگ مهم نیست. به دستور ایشان برای این که از تکلم زبان روسی جلوگیری شود و رسانه‌ها بتوانند بدون مانع به پخش دروغ پردازند همه کانال‌های رسانه‌ای زیر نظر ایشان متحد شده‌اند و به پخش یک نوع فرهنگ و تفکر مشغولند. ظاهراً این اقدام فاشیستی عین دموکراسی

است زیرا که دنیای غرب در کشورهای مخالف خودش با اعمال چنین روشی عَلم مخالفت بلند می‌کند، اما برای اوکراین یک قاعده استثنائی بنا کرده است. در مقابل پرسش خبرنگار که چرا فرستنده‌ها اجازه ندارند همانطور به کارشان مانند سابق ادامه دهند می‌گوید: در زمان جنگ فقط یک قاعده وجود دارد: سانسور نظامی و یا راه حل دیگر که ما پیدا کردیم یعنی راه حل خوب‌تر. آنوقت پرسشگر می‌پرسد: یعنی سانسور به شیوه راحت؟ و پاسخ می‌گیرد: خیرا من فکر می‌کنم نامش تعاون است. این فرهنگ نازی‌های مورد حمایت غرب است تا مردم اوکراین را در جنگی انتقام‌جویانه از شوروی زمان استالین به سلاخ‌خانه بفرستند.\*

## اجلاس اضطراری ... دنباله از صفحه ۶

کشور جبران کنند. این اقدامات تنها نشانه زورگوئی، بی‌شخصیتی و شکست مفتضحانه غرب است که به هر شیوه‌ی کثیفی برای نجات خود متوسل می‌شود. سراسر بالکان در تشدید تضادها می‌سوزد و دول غربی را چه در انگلستان، فرانسه و آلمان و چه جو بایدن در آمریکا را متزلزل نموده است. بحران وحشتناکی با مشت به دروازه دنیای یورو و اتحادیه اروپا می‌کوبد که با خنده و شوخی برطرف کردنی نیست. هم اکنون سقوط یورو آغاز شده و برای نخستین بار واردات آلمان از صادراتش پیشی گرفته است. جهان دیگر به دروغ‌های دنیای غرب، علی‌رغم عوام‌فریبی گسترده در عرصه‌های حمایت از حقوق بشر، دموکراسی و آزادی اعتقادی ندارد و تأثیرات این تبلیغات که با واقعیت‌عریان نمی‌خواند به شدت ضعیف گشته و در عوض این خفقان، سرکوب و سانسور گسترده غرب است که به بهانه جنگ اوکراین در حال گسترش است. این اجلاس سران گروه ۷ در زمانی برگزار می‌شود که دنیای اوروآسیا و حوزه شرق شکل می‌گیرد و «بریکس» با قدرت اقتصادی و سیاسی فراوان و با آینده روشن به مصاف امپراتوری دلار آمده است. اروپا وابسته به آمریکا و قربانی فشارهای آمریکا و وابستگی خودش به تحمیل‌های قلدرمنشانه این کشور است و معلوم نیست بتواند به سلامت خود را از این مخمصه‌ی خودساخته خلاص کند. نظم جهان تک‌قطبی درهم می‌ریزد و جهان چندقطبی جای آن را می‌گیرد. به این جهت ایران نیز در این نشست آماج حمله گروه ۷ و صهیونیسم جهانی بود. آنها تلاش دارند تحریم‌های شکست خورده علیه ایران - به عنوان عضو مهمی از اوروآسیا - را تشدید کنند و کشورهای منطقه را علیه ایران بشورانند و به باری اسرائیل یک ناتوی عربی-عبری-غربی علیه ایران به وجود آورند. فشارهای گسترده در برجام به ایران برای تکمیل خیانت تیم روحانی-ظریف، بسیج اصلاح‌طلبان بر ضد منافع ملی ایران در دستور کار آنها بود و آنها مانند همیشه طلبکارانه و با زبان تهدید و قلدری با ایران طرف شدند.\*



مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۹۲ تیر ۱۴۰۱

را در تارنمای توفان مطالعه نمائید!

توفان الکترونیک در اول هر ماه میلادی منتشر می‌شود!

امپریالیسم آمریکا باید خاک عراق و منطقه خاورمیانه را ترک کند!

## اجلاس اضطراری کشورهای گروه ۷ راه نجات بحران امپریالیسم نیست

نشست اضطراری و نافرجام سران کشورهای گروه ۷ (G7) که می‌خواهند برای سرنوشت ملت‌ها و غارت آنها در جهان از بالای سر آنها تصمیم بگیرند، در روز یکشنبه پنجم تیرماه ۱۴۰۱ (۲۶ ژوئن ۲۰۲۲) در ایالت باواریا در کشور آلمان برگزار شد. تصاویر تبلیغاتی در فضای کوهستانی و مناظر زیبا همراه با خنده‌های زورکی سران که در درون گریه می‌کردند و ظاهرسازی را بر دیوار تبلیغات رسانه‌ای نوشته بودند با نیت فریب افکار عمومی جهان صورت می‌گرفت. اگر این آخرین جلسه کشورهای گروه ۷ نباشد به نظر نمی‌آید که تشدید تضادهای عمیق آنها جایگزین تظاهر به وحدت آنها نگردد. این اجلاس در شرایطی برگزار می‌شود که هجوم تحریم‌های ضدپیشری، غارتگرانه و ضدقانونی به مصداق «تف سربالا» به سوی خود مبتکران آن باز می‌گردد. اعتراض به امپراتوری دلار و فاصله گرفتن کشورها از آن، دنیای دلاری غرب را به پرتگاه سقوط نزدیک کرده و سازوکار انتقال فقر آنها به ممالک جهان را برهم زده است. هدف از تشکیل این اجلاس بررسی ارزیابی اشتباه آنها و شکستشان در اوکراین است. شکست مفتضحانه ناتو... ادامه در صفحه ۶

## حمایت غرب «دموکرات» و «بشردوست» از نسل‌کشی و فرهنگ‌کشی و جعل تاریخ

مطبوعات به یک باره اعلام کردند دولت کی‌یف و در راسش آقای زلنسکی از اظهارات «آندری ملنیک» (Andrij Melnyk) سفیر اعزامی به آلمان فاصله گرفته و طلب برائت نموده است. چه اتفاق تازه‌ای افتاده است؟

«آندری ملنیک» سفیر بی‌شرم و دهان دریده اوکراین در آلمان که مرتب از آغاز مناقشات با روسیه به مقامات رسمی آلمان رسماً توهین کرده و برایشان دستورالعمل صادر می‌کرد، حال به بن‌بست و پایان کار خود رسیده است. دولت زلنسکی ناچار شده در اثر فشار جهانی و افکار عمومی، افسار این فرد را به یک باره بکشد و تودهنی محکمی به وی بزند تا پا را از حدی که مجاز است فراتر نگذارد. این تودهنی به وقاحت سفیر نازیست اوکراین بیش تر از این بابت است که به نظر می‌رسد در دورنمای درگیری‌های اوکراین رخدادهای غیرقابل برگشت و توافقات ضمنی میان دست‌اندرکاران به ویژه در اثر مخالفت اروپائیان با آنگلساکسون‌ها روی داده است. در این متن نیازی به نفت در آتش ریختن نیست. لحن مطبوعات آلمان و گزارش‌های سراپا دروغ آنها تغییر کرده است. در گفتمان‌های رسانه‌ای حق حرف به مخالفان نیز می‌دهند زیرا باید چهره بی‌آبروی خود در جریان اختلافات اوکراین را به نحوی آرایش نمایند.

«ملنیک» با اظهارات اخیر خود در مصاحبه با روزنامه‌نگار آلمانی «تیلو یونگ» (Tilo Jung) در صفحه مجازی وی به نام «یونگ اوند نایو» (Jung und Naiv)، که چیز جدیدی البته نیست و همیشه در دفاع از رهبران نازی در اوکراین و از جمله «استپان باندرا» (Stepan Bandera) - نازی همدست هیتلر - بوده است، در مورد این جنایتکار بیان داشته: «باندرا قاتل دسته جمعی یهودیان و لهستانی‌ها نبود». «ملنیک» ادامه داد که: «مشارکت شخصی باندرا در نسل‌کشی ثابت نشده است. باندرا نیز بخشی از هولوکاست نبود». «ملنیک» تاکید کرد که: «این روایت‌ها از طرف روسیه ساخته شده‌اند، اما این درست نیست».

به گزارش «د.پ.آ» (dpa) خبرگزاری آلمان، آقای «ملنیک» همکاری «باندرا» با حزب ناسیونال‌سوسیالیست آلمان (حزب نازی - توفان) را در کشتار ده‌ها هزار قربانی رد کرد. «باندرا» رهبر ایدئولوژیک جناح رادیکال سازمان ملی گرایان اوکراین (OUN) بود. گروه‌های مسلح ملی‌گرا از غرب اوکراین که در حمله به شوروی با نازی‌ها همدست بودند، مسئولیت تاراندن مردم با انگیزه قومی در سال ۱۹۴۳ را به عهده داشتند. در گیر و در این اخراج و پاکسازی، ده‌ها هزار غیرنظامی لهستانی به قتل رسیدند. «باندرا» پس از جنگ جهانی دوم به آلمان رفت و در سال ۱۹۵۹ به ادعای دولت آلمان توسط یک مامور سرویس مخفی شوروی KGB به قتل رسید. وقتی از «ملنیک» در مورد قتل عام غیرنظامیان لهستانی پرسیدند، «ملنیک» گفت که هم‌زمان لهستانی‌ها هم در اوکراین چنین می‌کردند و حالا لهستانی‌ها می‌خواهند این امر را سیاسی کنند.

آنوقت خبرنگار سندی را از «باندرا» ارائه داد که در آن طلب می‌شد: «مسکونی‌ها، لهستانی‌ها، مجارها و یهودیان دشمنان شما هستند، آنها را نابود کنید!» ولی آقای «ملنیک» در پاسخ خود را به تهاجم زد. سپس از کشتار ۸۰۰ هزار یهودی در اوکراین توسط همکاری نازی‌های اوکراین با نازی‌های آلمان پرسش شد و آقای «ملنیک» بیان کرد: «باندرا دستوری برای کشتار یهودیان نداد. من به این مسئله تاکید فراوان دارم».

بعد از این افتضاح، وزارت امور خارجه‌ی اوکراین در اثر فشار دولت لهستان و اسرائیل، متحدان آقای زلنسکی یهودی، بی‌بیه‌ای صادر نمود و موضع آقای «ملنیک» را نه نظر دولت اوکراین، بلکه نظر شخصی ایشان قلمداد کرد. این موضع‌گیری در واقع عذر بدتر از گناه بود زیرا مشکل دولت نازی در اوکراین اظهارات آقای سفیر نیست، بلکه تمام دستگاه حاکم در اوکراین همدست نازی‌هاست. این که آقای زلنسکی خودش یهودی است کوچک‌ترین تغییری در این واقعیت نمی‌دهد و تنها نشانه آن است که حتی یهودیان صهیونیست نیز حاضرند برای پیشبرد نیاتشان با نازی‌ها همکاری کنند. همین واقعیت که آقای زلنسکی قبل از اعتراض لهستان و اسرائیل خودش راساً به اعتراض دست زده و این جعل تاریخ را محکوم نموده و سکوت کرده بود... ادامه در صفحه ۷

P.O. Box 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Internet: www.toufan.org

Internet: www.toufan.de

Postbank Hamburg

BIC: PBNKDEFFXXX

Bank Account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

## سخنی با خوانندگان نشریه توفان

نشریه‌ای که در دست دارید، زبان مارکسیست - لنینیست‌های ایران است. «توفان»، نشریه «حزب کار ایران»، حزب طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رستاشدن به یاری همه کمونیست‌های صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها به اتکاء بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت‌ها، هر چند هم جزئی باشند، نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید.

دست امپریالیسم، صهیونیسم و متحدان‌شان از ایران کوتاه باد!